

Original Article

Outcomes of Russia and England's Competition in Central Asia and its Effect on the Power Construct in Iran (Case Study: Turkmenchay and Akhal Treaties)

Simin Rashidipur Kahnui¹, Gholam Hossein Zargarinezhad^{2*}, Mohammad Ali Akbari³

1. Ph.D. Candidate in History of Islam, Department of History of Islam, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Professor in Department of History of Islamic Iran, University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding Author)
Email: Zargari53@gmail.com
3. Professor in Department of History of Islamic Iran, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Received: 4 Apr 2020 Accepted: 5 Jul 2020

Abstract

Background and Aim: During the contemporary period including Qajar era, Russia and England have influenced the power structure in Iran through military interventions and imposition of business, economic and political contracts. The present study deals with the effect of the competitions by these two colonial powers and its effect on the power construct in Iran and it particularly approaches Turkmenchay and Akhal treaties.

Materials and Methods: Use has been made herein of a descriptive-analytical method through referring to the documentary and library sources and adopting a historical approach to the information gathering style.

Findings: The domestic aspects of Russia and England's competitions after Turkmenchay and Akhal treaties during Qajar Era caused political, economic and business dependency of Qajar kings on these states, their deprivation from independent and intellectual decision-making, country's becoming of an arena of the colonial powers' raid, imposition of lethal strokes onto Iran's process of development and the setting of the ground for the dependent development for a long time amongst the Iranian politicians.

Conclusion: Turkmenchay and Akhal treaties more featured a competitive aspect and they mostly served the protection of the colonial interests of the Russians in Iran and central Asia; in opposite, they also encouraged England to impose other colonial treaties, as well. Colonial competition between Russia and England was largely summarized in this period to the central Asia and India. The fragmentation of Iran and encouragement of the local authorities to separation from Iran was another foreign policy pursued by Russia and England and such incidents had actually taken place.

Keywords: Russia; England; Iran; Power construct; Turkmenchay; Akhal

Please cite this article as: Rashidipur Kahnui S, Zargarinezhad GH, Akbari MA. Outcomes of Russia and England's Competition in Central Asia and its Effect on the Power Construct in Iran (Case Study: Turkmenchay and Akhal Treaties). *Med Hist J*, Special Issue on the History of Islam and Iran 2020; 19-29.

پیامدهای رقابت روس و انگلیس در آسیای مرکزی و تأثیر آن بر ساخت قدرت در ایران؛ مطالعه موردی قرارداد ترکمنچای و آخال

سیمین رشیدی پور کهنوجی^۱، غلامحسین زرگری‌نژاد^{۲*}، محمدعلی اکبری^۳

۱. دانشجوی مقطع دکتری رشته تاریخ اسلام، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استاد گروه تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: Zargari53@gmail.com

۳. استاد گروه تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

دریافت: ۱۳۹۹/۱/۱۶ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۱۵

چکیده

زمینه و هدف: قدرت‌های روس و انگلیس در دوران معاصر و از جمله در دوره قاجار با دخالت نظامی، تحمیل قراردادهای تجاری، اقتصادی و سیاسی، ساختار قدرت در ایران را تحت تأثیر قرار داده‌اند. پژوهش حاضر به بررسی تأثیر رقابت‌های این دو قدرت استعماری و تأثیر آن بر ساخت قدرت در ایران می‌پردازد که به طور خاص به قراردادهای ترکمنچای و آخال نظر افکنده است.

مواد و روش‌ها: روش مورد استفاده در این پژوهش توصیفی - تحلیلی است که با استفاده از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از رویکرد تاریخی نسبت به جمع‌آوری اطلاعات اقدام نموده است.

یافته‌ها: جنبه‌های داخلی رقابت‌های روس و انگلیس پس از عهدنامه‌های ترکمنچای و آخال در عهد قاجار باعث وابستگی سیاسی، اقتصادی و تجاری پادشاهان قاجار به این دولت‌ها شده بود، تصمیم‌گیری مستقل و عقلانی را از آنان سلب می‌کرد، کشور عرصه تاخت و تاز قدرت‌های استعماری بود، ضربات مهلکی به فرایند توسعه ایران وارد شد، زمینه‌های توسعه وابسته را برای مدت طولانی در نزد سیاستمداران ایرانی ایجاد نمود.

نتیجه‌گیری: عهدنامه ترکمنچای و آخال، جنبه رقابتی و بیشتر برای حراست از منافع استعماری روس‌ها در ایران و آسیای مرکزی بود که در مقابل آن، انگلیس را نیز به ایجاد عهدنامه‌های استعماری دیگری سوق می‌داد. رقابت استعماری روس و انگلیس در این دوره بیشتر در آسیای مرکزی و هندوستان خلاصه می‌شد، تجزیه ایران و تشویق مقامات محلی به جدایی از ایران جنبه خارجی دیگری بود که روسیه و انگلیس دنبال می‌نمودند و در عمل نیز چنین رویدادهایی به وقوع پیوسته بود.

واژگان کلیدی: روسیه؛ انگلیس؛ ایران؛ ساخت قدرت؛ ترکمنچای؛ آخال

مقدمه

سلسله جنگ‌های ایران و روسیه در قرن نوزدهم که منجر به تحمیل عهدنامه‌های ترکمنچای (۱ اسفند ۱۲۰۶ ش. / ۲۲ فوریه ۱۸۲۸ م.) و آخال (۱۲۶۰ ش. / ۲۱ سپتامبر ۱۸۸۱ م.) به ایران شد، بزرگ‌ترین ضربه نظامی، اقتصادی و سیاسی را در قرن نوزدهم بر استقلال ایران وادار ساخت. آثار خسارات نظامی، اقتصادی و سیاسی ناشی از قراردادهای ترکمنچای و آخال بر استقلال ایران فرصت لازم را برای سوءاستفاده دولت انگلستان از وضعیت به وجود آمده نیز فراهم ساخت تا امتیازات مشابهی را برای انگلستان به دست آورند. به این دلیل که دو قدرت جهانی در آن زمان، تحت تأثیر شدید رقابت‌های استعماری در آسیای میانه، هند و خلیج فارس بوده‌اند و در هر موقعیتی تلاش می‌کردند تا با کشاندن جنگ به داخل ایران و یا تحمیل قراردادهای سنگین به مطامع استعماری خود دست یابند. نمونه مشخص خسارات استعماری واردشده بر ایران، عهدنامه و قراردادهای ننگینی است که با نام پادشاهان قاجار گرده خورده است، همچنانکه در آن زمان، جامعه اروپایی در حال جهش همه‌جانبه در حوزه‌های صنعتی و تجاری بوده است، جامعه ایرانی تحت فشار معاهدات سنگین دست و پنجه نرم می‌کرد.

رقابت روس و انگلیس در منطقه آسیای مرکزی که به عنوان یکی از مناطق مهم و استراتژیک به شمار می‌رود، به شکل قابل توجهی ساخت سیاسی ایران را از جمله در حوزه توزیع قدرت و شیوه اعمال آن تحت تأثیر قرار داده است. به همین دلیل پژوهش حاضر درصدد است تا با بررسی جنبه‌های مربوط به پیامدهای رقابت روس و انگلیس به تأثیر آن بر ساخت قدرت در جامعه ایرانی و از جمله نحوه حکمرانی در نزد پادشان قاجار بپردازد. آنچه در اینجا قابل توجه است تأثیرگذاری بر تصمیمات داخلی و خارجی پادشاهان ایران در عصر قاجار و به طور کلی ساخت قدرت در این دوره است. سؤالی که مطرح می‌شود، این است: رقابت روس و انگلیس در آسیای مرکزی چگونه بر ساخت قدرت در ایران عصر قاجار تأثیر گذاشته است؟ فرضیه‌ای که مطرح می‌شود، این است: رقابت روسیه و انگلستان در ایران و تحمیل قراردادهای نظامی،

سیاسی و اقتصادی یک‌سویه به ایران در قرن نوزدهم یکی از مهم‌ترین علت عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی ایران به شمار می‌آید.

معاهدات ترکمنچای و آخال

ایران و روسیه بارها در دوره‌های مختلف از جمله در عصر صفویان و سپس در دوره قاجار وارد نزاع‌های خون‌باری شدند. شکست فاحش ایرانیان در این دوره از جنگ‌ها، قرارداد ترکمنچای را بر حکومت ایران تحمیل کرد. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که پس از پیمان‌نامه گلستان، روابط ایران و روسیه باز هم رو به بهبودی نرفت، به طوری که توجه عباس میرزا به منطقه گنجه باعث واکنش روس‌ها نسبت به این مسأله شد. عباس میرزا که وضعیت آشفته سپاه خود را مشاهده می‌نمود، در تلاش بود تا مانع از بروز جنگ دیگری شود، زیرا در صورت وقوع جنگ، نمی‌توانست حریف روس‌ها شود، اما تلاش‌های عباس میرزا نتیجه بخش نبود و جنگ میان دو طرف در گرفت و سپاه روس پیروز شد. پاسکوویچ فرمانده سپاه روس که دست بالا را داشت، شرایط صلح را به عباس میرزا پیشنهاد نمود که وی نیز مجبور شد، این شرایط را بپذیرد. در نهایت با توافق بر سر مفاد صلح، عهدنامه ترکمنچای منعقد شد. نمایندگان ایران و روسیه عهدنامه ترکمنچای را منعقد کردند که روس‌ها علاوه بر ابعاد تجاری، بخش‌های مهمی از بازار ایران را نیز در اختیار می‌گرفتند. این عهدنامه در زمان فتح‌علی‌شاه قاجار با میانجیگری دولت انگلستان منعقد شد و بر اساس آن، ولایات ایروان و نخجوان به روسیه ملحق شد و روس‌ها نیز حق کشتیرانی را در دریای خزر به دست آوردند، ضمن این‌که دولت روسیه نیز ولیعهدی عباس‌میرزا را به رسمیت شناخت و از آن حمایت کرد. همچنین کلیه اتباع روسی بر اساس عهدنامه ترکمنچای از حق کاپیتولاسیون در ایران برخوردار شدند. مفاد عهدنامه ترکمنچای به نفع روسیه بود و از این طریق امتیازات متعددی را نیز به دست آورد. با این حال، وقوع انقلاب کمونیستی در روسیه و به قدرت رسیدن لنین باعث تغییراتی در عهدنامه‌های شوروی با سایر کشورها از جمله ایران شده بود، به طوری که وی درصدد برآمد تا

امتیازات و معاهدات استعماری را ملغی نماید. یکی از این قراردادهای مهم که ترکمنچای بود، توسط دولت صمصام السلطنه لغو شد که به دنبال آن سایر امتیازات از جمله امتیاز کاپیتولاسیون نیز ملغی اعلام گردید، همچنانکه سایر کشورها نیز بر اساس همین قانون از امتیاز کاپیتولاسیون برخوردار بودند (۱).

با ملغی‌شدن عهدنامه ترکمنچای، روابط ایران و روسیه تحت تأثیر شرایط تاریخی گذشته و همچنین رقابت قدرت‌های استعماری مجدداً به سمت تنش پیش رفت و چندین سال بعد معاهدات دیگری نیز بین طرفین انجام گرفت که همگی نشانگر ضعف و استیصال پادشاهان ایرانی و اعطای امتیازات به روسیه بوده است، از جمله معاهدات بعدی، معاهده آخال است. با این حال، اعلام روسیه مبنی بر معرفی منطقه «سرزمین ماورای خزر» باعث حساسیت انگلیس نیز شده بود که به طور قابل توجهی در ایران نفوذ داشت. به همین دلیل، نفوذ روس‌های در آسیای میانه باعث واکنش انگلیس شده بود (۲). نفوذ روس و انگلیس در آسیای میانه باعث جداسدن بخش‌هایی از ایران شده شود و ضعف پادشاهان قاجار نیز باعث رد و بدل شدن مذاکرات میان ایران و قدرت‌های استعماری شده بود. اینک دولت شاه قاجار مجبور به امضای قراردادی می‌شد که عملاً منجر به الحاق بخش‌هایی از خاک ایران به روسیه می‌شد (۳).

پیمان آخال یا پیمان آخال - تکه، قراردادی است که میان امپراتوری روسیه و ایران قاجار در ۲۱ سپتامبر ۱۸۸۱ (۱۲۹۹ ق. / ۱۲۶۰ ش.) برای تعیین مرزهای دو کشور در مناطق ترکمن‌نشین شرق دریای خزر بسته شد. این پیمان به اشغال خوارزم به دست روسیه تزاری رسمیت بخشید. پس از شکست ۱۸۶۰ ایران قاجاری و نیز با گسترش حضور بریتانیا در مصر، در سال‌های ۱۸۷۳ تا ۱۸۸۱، امپراتوری روسیه اشغال کامل خاک ایران در بخش شمالی فلات ایران را در پیش گرفت. ناصرالدین‌شاه قاجار بی‌خیال از موضوع، تنها وزیر خارجه‌اش میرزاسعیدخان مومتن‌الملک را به دیدار ایوان زینوویف فرستاد تا پیمانی را در تهران امضا کنند. با سرنهادن به این پیمان، ایران از ادعا درباره خاک خود در سرتاسر آسیای میانه،

ترکستان و فرارود چشم‌پوشی کرد و رود اترک را به عنوان مرز نوین، از قاجار به ارث برد. بعد از آن مرو، سرخس، عشق‌آباد و دورادور آن‌ها تحت فرمان الکساندر کومارف درآمد (۴). معاهدات مذکور در فضای خاصی رخ داده بود که رقابت قدرت‌های استعماری نظیر روس و انگلیس در آسیای مرکزی و مناطق تحت استعمار آنان در جریان بود. از این رو آثار این تعهدات بر رقابت میان قدرت‌های بزرگ و سیاست داخلی ایران قابل توجه بوده است.

رقابت‌های روس و انگلیس در آسیای مرکزی پس از عهدنامه‌ها

هنگامی که روس‌ها به پیشروی در آسیای مرکزی ادامه دادند و مستعمره هند انگلیس را به خطر انداختند، دولت بریتانیا تصمیم گرفت مرکز فعالیتش را از ایران به افغانستان منتقل کند، به علاوه با برقراری روابط دوستانه با خانات آسیای مرکزی و کمک به حل مسائل سیاسی‌شان با روس‌ها، تصمیم گرفتند در برابر هرگونه تجاوز روس به خلیه از ایران حمایت کنند. همچنین آن‌ها فکر می‌کردند که از قبایل ترکمن از مرو تا دریای خزر، در جهت تشکیل یک خط دفاعی در برابر پیشروی احتمالی روس‌ها به سوی هندوستان و به عنوان مانع ارتباطی بین خلیه و ایران می‌توانند بهره بگیرند (۵). وقتی که اعتماد انگلیسی‌ها نسبت به روس‌ها متزلزل شد، از جان و دل می‌کوشیدند از پیشروی آنان جلوگیری کنند در این بین دولتمردان انگلیس دوباره متوجه ایران شدند و با این دیدگاه که اگر روس‌ها در ممالک آسیای مرکزی پیشرفت کنند و درگیر جنگ با آن‌ها شوند، ایران را به عنوان یک کشور حائل بین روسیه و هند در دست خواهند داشت (۳). انگلیس برای این که بتواند از نفوذ روس در ایران جلوگیری کند، معتقد بود که باید از طریق سیاسی راه رسیدن روس‌ها به خلیج فارس، اعماق خاک ایران و نهایتاً دروازه‌های هندوستان را مسدود کند، اما عده‌ای دیگر بر این باور بودند که راه حل سیاسی لزوماً نمی‌تواند به تامین این خواسته استراتژیک منجر شود، بلکه انگلیس باید از طریق سرمایه‌گذاری‌های کلان اقتصادی و سهم‌کردن برخی از خاندان‌های ذی‌نفوذ ایرانی در

طرح‌های اقتصادی خویش، راه خود را برای تسلط بر شریان‌های اقتصادی و سیاسی کشور ایران هموار سازد (۶). با در نظر گرفتن این مسأله، انگلستان هم از لحاظ منافع تجاری و هم از جهت دیگری علاقمند است که ایران روی پای خود بایستد و سد آهنینی میان هندوستان و ترکستان روس تشکیل دهد (۷). بنابراین برقراری رابطه ایران و ایجاد سدی در برابر نفوذ روسیه که مخصوصاً منافع استعماری انگلیس در هند را با خطر مواجه نسازد، یکی از اهداف اساسی سیاست‌های بریتانیا در آسیای مرکزی و ایران به شمار می‌رفت.

علاوه بر این، سرزمین خراسان هم برای دولت انگلیس و هم برای روسیه تزاری از اهمیت زیادی برخوردار بود. سابقه توجه روس‌ها به خراسان و شرق ایران به روزگاران پس از انعقاد عهدنامه ترکمنچای برمی‌گشت. تشویق ایران برای سلطه کامل بر هرات که در نهایت موجب جدایی این شهر از ایران شد، باعث توجه بیشتر روس‌ها به این منطقه و به ویژه شهر مشهد شد. پیشروی روس‌ها در آسیای مرکزی و انعقاد قرارداد آخال که به موجب آن روسیه همسایگی خود را به ایران تحمیل کرد، باعث شد مشهد به عنوان مرکز و مهم‌ترین شهر شرقی ایران بیش از پیش مورد توجه روس‌ها قرار گیرد (۸). بدین ترتیب روس‌ها طالب تصرف خراسان بودند، بدین علت که فتوحات روسیه در ماوراء دریای خزر باعث تسلط آنان بر بخش‌های مهمی از بیابان‌ها و نقاط مزروع و خوش و آب و هوا شده بود. این فضای جدید می‌توانست ظرفیتی برای حمله و هجوم لشکریان روس را فراهم آورد. بر این اساس، روسیه بدون این‌که به مرزهای استعماری انگلیس در افغانستان حمله کند، اغلب مناطق تحت نفوذ انگلیس در این کشور را تحت نفوذ خود درمی‌آورد (۹).

در نتیجه اقداماتی که از طرف همسایه شمالی نسبت به احداث راه‌ها و جاده‌ها به عمل آمد، مقدار متناهی از مصنوعات روسیه در بازارهای ایران به فروش می‌رسید و کشور ایران یکی از چند کشور معدودی است که کالاهای ساخت روسیه در آنجا با امتعه مشابه اروپای غربی رقابت می‌نماید. تنها رقیب دولت روسیه در بازارهای ایران، دولت انگلیس و مخصوصاً حکومت هندوستان خواهد بود (۷). از لحاظ سیاسی

نیز، نزدیک‌بودن خط آهن ماورای دریای خزر به مرز ایران و قراردادن دستگاه عظیم اداری روسیه در عشق‌آباد که از آنجا پیوسته ارتباط با حاکمان ایرانی مقدور بود و مقدار فراوانی هدایا برای آن‌ها ارسال می‌شد و خانان مجاور در ایران را دست نشانده و یا نماینده آن دولت روسیه در ایران ساخته بود. از لحاظ نظامی نیز، اهمیت سوق‌الجیشی این خطوط راه آهن و ارتباط آن با نواحی دیگر دریای خزر است که بر نفوذ نظامی روس در خراسان افزوده است که اهمیت بیش از پیش خراسان را برای روسیه نمایان ساخته بود (۹).

از طرفی دیگر، انگلیسی‌ها نگران این بودند که اگر یک نیروی نظامی از طرف روس‌ها در استرآباد یا نزدیک آن متمرکز شود و رؤسا و خان‌های خراسان به پیشروی آن نیرو روی مساعد نشان دهد، به نظر می‌آید که دولت ایران نخواهد توانست با اقدامات خود پیشروی روس‌ها به هرات را به تاخیر بیندازد (۴) و برای عبور یک ارتش بزرگ با تمام تجهیزات هم مانع طبیعی دشواری وجود ندارد (۴). سیاست انگلیس در این زمینه مبتنی بر حفظ منافع استعماری این کشور در آسیای میانه و بخش‌هایی از افغانستان است که از این حیث، تغییری برای وضعیت کنونی ایران را نمی‌پذیرد. این موضوع مخصوصاً برای وضعیت تجاری و اقتصادی انگلستان یک ضرورت محسوب می‌شود که اگر در دست رقیبی همانند روسیه باشد، خطری برای هندوستان محسوب می‌شود (۹).

بر این اساس باید گفت هم برای روس‌ها و هم برای انگلیسی‌ها، موقعیت سیاسی و تجاری مشهد آن زمان بسیار مهم بود. از نقطه نظر مصالح انگلیس، غرب افغانستان باید در مقابل هرگونه تجاوزات سرحدی محفوظ بماند. مسأله مهم دیگر این است که تجارت هند و انگلیس نیز در این منطقه با اهمیت شناخته می‌شود. همچنین مشهد علاوه بر این‌که بازار مناسبی برای کالاهای روسی شمرده می‌شود، مرکز کنترل مرزهای شرقی ایران با هندوستان نیز به حساب می‌آید (۷). به خاطر این‌که اگر ایران هرات را تصرف می‌کرد، با توجه به موقعیت استراتژیک آن، امنیت هند به خطر می‌افتاد، زیرا روس‌ها که طبق مقررات عهدنامه ترکمنچای (ماده دهم) می‌توانستند در هریک از شهرهای ایران کنسولی اعزام نمایند،

با اعزام کنسول به شهر هرات، در سراسر افغانستان به هرگونه اقدامی بر ضد منافع و مصالح امپراتوری انگلیس در هند دست می‌زدند. انگلیسی‌ها با اعزام کشتی جنگی به خلیج فارس و اشغال جزیره خارک محمدشاه را مجبور کردند از محاصره هرات چشم‌پوشد و نیروهای خود را عقب بکشد. انگلیس در زمان محمدشاه به دلیل سرسپردگی شاه قاجار به روسیه، هرگونه پیشروی به سوی افغانستان از طرف ایران را پیشروی روس‌ها به افغانستان می‌دانست. بر همین اساس انگلیس مانع از تسلط کامل ایران بر هرات و افغانستان می‌شد (۱۰). یکی از جاسوسان انگلیس در همین زمینه می‌نویسد: «ما روس‌ها را در اروپا شکست دادیم و ارکان قدرت و نفوذ آن‌ها را در میان ملل اروپا متزلزل کردیم، ولی در میان آسیا نتوانستیم از شهرت و اقتدار آن‌ها بکاهیم. هرگاه در جنگ کریمه یک عده قشون انگلیس را به جای قشون‌های عثمانی به کار برده بودیم و عده کافی به کمک داغستانی‌ها فرستاده بودیم، بدون هیچ اشکالی ایالات ماورای قفقاز همه‌شان از تحت نفوذ روس‌ها خارج شده بود، ولی به علت عناد و حسادت دولت فرانسه مانع از اجرای آن‌ها گردید. دلیل آن هم این بود که فرانسوی‌ها اظهار می‌کردند نتیجه این جنگ‌ها تماماً به نفع دولت انگلیس است، فقط فداکاری و تلفات قشون نصیب قوای فرانسه می‌باشد» (۱۱). در هر صورت شواهد موجود نشان می‌دهد که نزاع استعماری روسیه و انگلیس در آسیای مرکزی تأثیر قابل توجهی بر وضعیت سیاسی و اجتماعی جامعه ایرانی گذاشته بود و به همین دلیل بخش مهمی از تصمیمات داخلی و بین‌المللی ایران در عهد قاجار با سیاست‌های استعماری روسیه و انگلیس گره خورد. از این جهت بررسی پیامدهای رقابت این دو قدرت و تأثیر آن بر ساخت قدرت در عهد قاجار می‌تواند بخشی از تاریخ معاصر ایران را به رشته تحلیل و نقد بکشد.

آثار رقابت روس و انگلیس بر ساخت سیاسی قدرت در ایران

۱- فقدان تصمیم‌گیری در دستگاه قدرت قاجار

رقابت روس و انگلیس در آسیای مرکزی بیش از پیش باعث می‌شد تا روس‌ها و همچنین انگلیسی‌ها برای تأمین

منافع خود به عهدنامه‌های مختلفی دست یازند تا از این طریق سیطره خود را بر ایران و سایر مناطق استعماری تحکیم ببخشند. اولین اثر این رقابت در آسیای مرکزی، ضعف و فترت گسترده‌ای بود که باعث از بین رفتن منطق تصمیم‌گیری در دستگاه سیاسی و قدرت قاجار شده بود. چنانچه بر اثر رقابت‌های دو قدرت روس و انگلیس و به علت ضعف حاکمیت قاجار و عدم وجود دیوان اداری قوی، وضع کشور آشفتگی بود. همچنین با عدم آمادگی سیاسی و اخلاقی دربار آن روز برای مواجهه با وضع ناشی از استقرار سفارتخانه‌های دائم اروپایی در تهران، باعث تسلط بیشتر استعمارگران بر اوضاع داخلی ایران گردید (۱۲). همین مسأله باعث ناتوانی و از بین رفتن «استقلال سیاسی» و بهم‌ریختگی در تصمیم‌گیری پادشاهان و دربار شده بود که روز به روز ابعاد منفی آن جلوه‌گر می‌شد.

ساخت سیاسی قدرت در زمان قاجار و تحت تأثیر رقابت‌های روس و انگلیس در آسیای شرقی به شدت «زیان‌ده» و مبتنی بر تصمیمات این دو قدرت جهانی دنبال می‌شد که کم‌تر نقشی برای تصمیمات پادشاهان ایران قائل نبودند. بنابراین معاهدات آنان با دول قاجار به نحوی بود که هم منابع سرزمینی ایران را به تاراج می‌بردند و هم این‌که درصدد خنثی نمودن نقشه‌های استعماری یکدیگر در سایر مناطق جهان از جمله در هندوستان و آسیای مرکزی بوده‌اند. به طور مثال بعد از معاهده ترکمنچای، شروع اقدامات تهدیدآمیز روسیه نسبت به هندوستان از طریق افغانستان و ایران انجام گرفت که با پیشروی تدریجی روس‌ها به سمت جنوب تا استقرار در مرزهای ایران و افغانستان، شکل گرفت (۲). مسأله پیشروی روس‌ها در ایران که باعث نزدیکی و هم‌مرز شدن با هندوستان به عنوان یکی مهم‌ترین کشورهای استعماری انگلیس می‌شد، باعث دخالت انگلیس و تلاش برای گرفتن امتیاز بیشتر از ایران می‌شد. همین مسأله ساخت سیاسی قدرت در ایران را به شدت به قدرت‌های خارجی وابسته می‌نمود و آنچه غالباً مشاهده می‌شد، سبقت قدرت‌های جهانی برای گرفتن امتیاز در قالب تعهدنامه بود. به عنوان مثال در دوره پادشاهی ناصرالدین‌شاه به دلیل استبداد و ولخرجی‌های فراوانی که داشت ناچار بود تا امتیازات زیادی به بیگانگان بدهد و مخارج

سیاسی و هم در اثر دخالت روس و انگلیس، بیش از پیش نمایان می‌شد. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که روس‌ها بعد از معاهده آخال و پایان واقعه پنجاه سیاست نظامی‌شان را به بازرگانی تغییر دادند. کرزن در کتابش نوشت که: «روسیه در نواحی شرقی ایران به صورت مدبرانه یعنی در جامه بازرگانی نفوذ کرد. کنسول و نمایندگان کنسولی رفته‌رفته در بنادر و شهرهای متعدد گماشت و در هر جا که نصب نماینده رسمی به صلاح نبود نمایندگانی در لباس روحانی و معمولاً هم از میان ارامنه متولد روسیه و یا افرادی که در کار تجارت بودند استخدام نمود که مقصود و مرام آن‌ها را انجام دهند و شبکه فعالیتش را در سراسر خراسان و سیستان گسترش داد» (۹). نفوذ روسیه پس از معاهده آخال، انگلیس را هراسان می‌نمود، زیرا از این حیث، ایران از موقعیت جغرافیایی ویژه‌ای برخوردار بود که اروپا را به هندوستان متصل می‌کند و هندوستان نیز مستعمره بریتانیا به شمار می‌رفت. اهمیت جغرافیایی ایران همین بس که پس از بسط و توسعه نفوذ روس تزاری در نواحی قفقاز و ترکستان از طرف تمام نوارهای مرزی شمال و قسمتی از نواحی شرقی با همسایه مقتدر شمالی دارای مرزهای مشترک گردید و خواه ناخواه با آن دولت اصطکاک پیدا کرده است. ایران با داشتن چنین موقعیت جغرافیایی بدون تردید مورد توجه دولت روسیه بود، زیرا دولت روسیه برای پیشروی به سوی هندوستان، لازم بود که ایران را تحت نفوذ و تسلط خود درآورد (۷).

۳- منافع اقتصادی بیگانگان و تجزیه ایران

علاوه بر این، انگیزه روس‌ها در آسیای میانه این بود که بتوانند نوار قفقاز را تحت کنترل خود دریاورند و از این راه تجارت سودآوری نصیب آنان خواهد شد. علاوه بر این روس‌ها از طریق تسلط بر قفقاز و مناطق آسیای میانه، راه‌های دسترسی مهمی برای دستیابی به منابع در دریای عمان و سایر بازارها در آسیا و اروپا به دست می‌آوردند. بنابراین اقدامات نادرست شاهان ایرانی، نقش مهمی برای سيطره روس‌ها بر منابع داخلی ایران را فراهم آورده بود. توجه بیش از حد روس‌ها به مناطق آسیای میانه و ایران، باعث تحریک و جدایی اقوام، ملیت‌ها و مذاهب مختلفی می‌شد که از دیرباز در

سفرهای فرنگ خود را تأمین کند. یکی از کشورهایی که از حیث استقراض خارجی مورد توجه ناصرالدین‌شاه قرار گرفته بود، انگلستان بود که پس از معاهده پاریس امتیازات زیادی را به دست آورد. در طی روابط اقتصادی که با دولت روسیه داشت، روس‌ها هم در مقابل هر امتیازی که انگلیس می‌گرفت سعی می‌نمود تا امتیاز مشابه از دولت ایران بگیرد.

۲- تضعیف و بی‌تفاوتی ساخت قدرت

تضعیف ساخت سیاسی قدرت در ایران عصر قاجار یکی دیگر از پیامدهای رقابت استعماری روس و انگلیس بود که چه در قالب تعهدنامه‌ها و چه در قالب حضور نظامی مستقیم خود را نشان می‌داد. همچنانکه در زمان محمدشاه قاجار و هنگامی که نیروهای ایرانی درصدد حرکت به سمت هرات بودند، ویتکوویچ فرمانده نظامی روس‌ها، با همکاری دوست محمدخان، نقشه‌های حکومت هند انگلیس را خنثی نمود، زیرا هدف آنان، تقویت حکومت‌های محلی افغان در برابر ایران بود که با رهبری ویتکوویچ ناکام مانده بود. هدف نیروهای نظامی و استعماری انگلیس این بود که مانع از نفوذ سیاسی ایرانیان در افغانستان شوند. بدین ترتیب نیروهای روس توافقی میان سران ایران و سردار قندهار تهیه کردند که به موجب آن، منطقه هرات به عنوان تحت‌الحمایه ایران دربیاید (۱۳).

پس از آن برای انجام این طرح، روسیه مقدمات نفوذ خود را در ایران فراهم ساخت و در این طرح‌ها اشغال کابل از راه استرآباد، مشهد و هرات، یعنی از طریق شمال شرقی ایران پیشنهاد شده بود، ولی بار دیگر تحول اوضاع اروپا مجال پیاده کردن این طرح‌ها را نداد. با وجود این برای سهولت دسترسی به این هدف لازم بود روسیه از طریق شمال به افغانستان نزدیک شود (۲). با به قدرت محمدشاه، وی از تصرف هرات دست کشید و همچنانکه روشن بود، همکاری روس‌ها با ایران در این زمینه چیزی جز فریب سیاسی نبود و آنان از این راه تلاش می‌کردند تا نفوذ خود را در افغانستان و منطقه هرات تقویت نمایند (۱۳).

تبدیل شدن کشور به سرزمینی برای نفوذ بیگانگان و تاخ و تاز در آن یکی از نشانه‌های بارز ساخت قدرت در عصر قاجار بود که هم از لحاظ داخلی و تحت تأثیر نالایق بودن رجال

تحت تأثیر خود قرار می‌داد و هم حیطه نفوذ آنان را به ضرر بریتانیا گسترش می‌داد.

۴- بی‌ارادگی پادشاهان ایران و ناتوانی در عرصه روابط بین‌الملل

روس‌ها توانستند با فتح تمامی خانات شرق دریای خزر، با ایران هم‌مرز شوند. برای تعیین مرزهای جدید با ایران قراردادی به ایران تحمیل نمودند که ایران را از تمامی سرزمین‌های آسیای میانه که در گذشته جزء مناطق ایران بودند و به دولت ایران خراج می‌پرداختند، صرف نظر نماید (۱۷). در هنگام (قرارداد آخال) کارگزاران انگلیسی که از این همه پیشروی روس‌ها در خاک ایران نگران بودند، عبور قشون روس را از دو فرسخی سرخس جدید به دولتمردان ایران هشدار می‌دادند. از این‌که روس‌ها از حاکم خراسان اجازه ساختن راه مشهد به مرز روسیه را گرفته‌اند، به دولت ایران اعلام خطر نموده و اذعان نمودند که ممکن است یکی از روزها از طرف خراسان وقایع بزرگ روی دهد (۱۸). همچنانکه گفته شد این معاهده به دلیل نزدیک‌نمودن روس‌ها به هندوستان موجب ناراحتی انگلیسی‌ها گردید. در این بین انگلستان، بیش از دیگر کشورها، ایران را مورد ملامت و سرزنش قرار داد. آن‌ها به سفیر ایران در لندن گفته بودند که خوب شد ما هرات را از دست شما گرفتیم و گرنه شما آن را هم به روسیه می‌بخشیدید (۳). ناصرالدین‌شاه در توجیه انعقاد این معاهده برای انگلیسی‌ها چنین نوشت: «باید جواب نوشت ما چیزی به روسیه ندادیم، در حقیقت این شما انگلیسی‌ها این مناطق را داده‌اید. اگر از اول روس را از این همه پیش‌آمدن به سمت آخال و ترکمان رسته و قوی مانع می‌شدید، البته روس‌ها میدان جولان بازی خودشان را کم‌تر می‌گرفتند، بلکه هیچ نمی‌توانستند داخل شوند، وقتی که مثل شما دولتی قوی نتواند مانع از پیشروی روس‌ها را بکند ما نیز نمی‌توانستیم. روس آمد آخال را گرفت ما چه می‌کردیم بعد گفت سرحد طبیعی خراسان و ترکمان را باید معلوم کنید و قرار بدهید ما چه می‌کردیم اگر قبول نمی‌کردیم، سر خباثت خودش همانطور که آخال را تصرف کرد، سرحد طبیعی ترکمان را هم با خراسان به زور تصرف می‌کرد آن وقت آیا ما با روس‌ها جنگ بکنیم... روس که آخال

فلات ایران حضور داشتند و پس از رقابت روس و انگلیس در آسیای میانه باعث تجزیه بخش‌هایی از ایران شده بودند. ساخت سیاسی ایران به سمت تجزیه‌طلبی سوق داده شد و بخش‌های مهمی از ایران به واسطه دخالت قدرت‌های خارجی تجزیه شده و بعدها نیز اعلام استقلال نمودند. بنابراین جایگاه خاص ایران و قرارگرفتن آن در مسیر آسیای میانه و همچنین ضعف شاهان قاجار باعث شده بود تا رقابت روس و انگلیس به طور مشخص حول محور ایران و امتیازگرفتن از آن بچرخد. معطوف‌شدن نگاه انگلیس به بخش‌هایی از هرات و افغانستان و همچنین توجه روسیه به آسیای میانه و قفقاز، ایران را به کانون اصلی رقابت حول محور آسیای مرکزی کرده بود. در این میان دو قرارداد ترکمنچای و پاریس به ترتیب از طرف روس و انگلیس منشأ نفوذ تلقی می‌شدند. همین رقابت و موازنه قدرت میان روس و انگلیس یکی از عوامل اصلی تجزیه و جدایی بخش‌هایی از سرزمین‌های ایران بوده است (۱۴).

بعد از عهدنامه ترکمنچای، سیاست روسیه وارد حیطه تجاری و اقتصادی شد و آنان تلاش نمودند تا با پیگیری سیاستی آرام، ایران را تحت نفوذ خود در بیاورند (۱۵). بنابراین در این زمان و پس از معاهده ترکمنچای، روابط ایران و روسیه از حیث اقتصادی و سیاسی رو به گسترش بود؛ از حیث اقتصادی، کم‌کم قدرت‌های اروپایی، نفوذ خود را در ایران از دست دادند و روسیه به قدرت بلامنازع تبدیل شده بود. از حیث سیاسی نیز، امتیازات زیادی را در قفقاز و آسیای میانه به دست آوردند که به معنای افزایش قدرت روس‌ها در آسیای مرکزی بود. همچنین روس‌ها نیز ایران را تحریک می‌کردند که به «هرات» حمله کند و حتی فتح‌علی‌شاه را از همه جهات حمایت می‌کنند (۱۶). بنابراین دولتمردان روسی علاوه بر دستیابی به مطامع استعماری خود، همواره گرایش خود به سمت مرزهای هندوستان و دسترسی به مناطق استعماری بریتانیا را از یاد نمی‌بردند. از این رو سیاست خود در ایران را به گونه‌ای به پیش می‌بردند که بتوانند در برابر سیاست‌های بریتانیا در شرق ایران نیز فعالیتی داشته باشند. آسیای میانه، هرات و بخش‌هایی از افغانستان به عنوان نقاط مورد نظر روسیه به شمار می‌رفتند که هم استقلال سیاسی ایران را

۵- تضعیف ساخت قدرت و تقویت نقشه‌های استعماری

تسلط روس‌ها بر ایران و پیامدهای ناشی از قرارداد ترکمنچای سبب نگرانی شدید میان مقامات انگلیسی شده بود. آن‌ها می‌خواستند منافع تجاری‌شان را در آن منطقه دچار مشکل نشود (۵). به همین دلیل ابتدا با روس‌ها وارد مذاکره می‌شدند و پس از آنکه نفوذ روس‌ها در دربار و مناطق مرزی را ضرر خود می‌دانستند، اقدام به بستن معاهدات جدیدی با ایران می‌نمودند که بتوانند در مقابل سیاست‌های روسیه در آسیای مرکزی و همچنین در نزدیکی مرز هند مقابله نمایند. همچنین معتقد بودند که هدف اولیه روسیه از ارتباط و مراوده‌های که می‌خواهد با حکام نواحی و مناطق سر راه هند برقرار کند، هموارکردن زمینه برای توسعه نفوذ سیاسی در آن جهت است و ممکن است در ابتدا و به ظاهر برای اهداف بازرگانی وانمود گردد، اما سرانجام نتیجه آن ارتباط، اهداف سیاسی خواهد بود (۴). بنابراین هر دو قدرت استعماری از دو طرف، فشار سیاسی مضاعفی را به ساخت قدرت قاجار وارد می‌کردند که مهم‌ترین آثار آن، تقویت نقشه‌های استعماری این قدرت‌ها و تضعیف دستگاه قدرت قاجار بوده است.

در عهد قاجار و تسلط پادشاهان ناآگاه، تضعیف ساخت سیاسی قدرت و بی‌ارادگی پادشاهان بیش از پیش در برابر نقشه‌های استعماری روس و انگلیس بر سر منابع و سرزمین‌های آسیای مرکزی، جامعه ایرانی را تحت تأثیر خود قرار داده بود. توضیح این‌که دولت روسیه که نمی‌توانست در اروپا به رقابت‌های خود با قدرت‌های اروپایی ادامه دهد، سرزمین‌های آسیای میانه و از جمله ایران را مورد توجه قرار داده بود. علاوه بر وجه سیاسی و قرارگرفتن ایران در مرز با کشورهای آسیای میانه، مسائل اقتصادی و تجاری باعث گسترش گرایش به سوی ایران شده بود. بنابراین ایران، تبدیل به «بازی بزرگ»ی شده بود که میان روسیه و انگلیس استثمار می‌شد (۲۰).

بدین ترتیب وابستگی و شکل‌گیری دولت‌های بی‌اراده یکی دیگر از پیامدهای رقابت روس و انگلیس در رابطه با ایران بوده است. همچنین این‌که روس‌ها با بهره‌برداری از نفوذ خود در ایران و وابسته‌کردن ساخت سیاسی قدرت به نقشه‌های خود،

را گرفت، بالطبع مرو را تصاحب می‌کرد. اگر ممانعت‌ها را می‌کردیم جز این‌که روس را با خودمان دشمن بکنیم، هیچ فایده‌ای نداشت و او هم کار خود را می‌کرد و ما خود به استقبال روس نرفته‌ایم و او را نیاورده‌ایم و هرگز مایل این اتفاقات نبوده‌ایم...» (۱۹). فقره پیشین نشان می‌دهد که ساخت سیاسی قدرت در عصر قاجار بدون این‌که بتواند واکنشی در برابر قدرت‌های روس و انگلیس نشان دهد، تنها از میان آنان دست به انتخاب می‌زند و با توجه به این‌که نفوذ روسیه را بسیار قوی‌تر می‌داند، در تلاش است تا این قدرت استعماری را در ایران نگه دارد.

وجود سرزمین وسیع و نبود حاکمیت قدرتمند و متمرکز و عقب‌ماندگی اقتصادی در شرق دریای خزر، بارها اختلافاتی را در این منطقه ایجاد کرده بود. در این زمان در شرق دریای خزر حکومت‌های ضعیفی وجود داشت که با هم در کشمکش بودند. خان خوقند که بر سرزمین‌های اطراف سیردریا از آرال تا قرقیزستان فعلی حکومت می‌کرد، خان بخارا بر قسمت‌هایی از ازبکستان و تاجیکستان کنونی حکم می‌راند و بالاخره خان‌نشین خیره ساحل جنوبی دریاچه آرال را در کنترل داشت. این سه امیرنشین که ساختار اجتماعی خودکامه و رو به زوال نسبتاً مبهمی داشتند، مدت‌ها بود قدرت اقتصادی و سیاسی خود را از دست داده بودند. این خانات ذکر شده که زمانی بخشی از جاده ابریشم را تشکیل می‌دادند، پس از کشف راه‌های دریایی جدید و نیز ترویج تشیع در ایران دوره صفوی، در انزوای کامل قرار داشتند و ارتباطات گسترده این منطقه با ایران نیز کاهش یافته بود، اما در دوره قاجار، ارتباط ایران با سایر کشورها به دلیل مورد توجه قرارگرفتن توسط روسیه و انگلیس و اهمیت آسیای میانه گسترش یافت. پادشاهان قاجار نیز به دلیل ضعف، همواره رویکرد امتیازدهی را به سایر رویکردها ترجیح می‌دادند. ضعف و ناتوانی دولت قاجار و ساختار استبدادی آن به هیچ وجه عنوان توانایی در برخورد با کشورهای انگلستان و روسیه نداشت، علاوه بر این عدم اتخاذ راهکارهای مناسب جهت ایجاد امنیت، سبب شد تا شاهان قاجار توانایی برقراری امنیت در نواحی شمال شرقی و شرق ایران را نداشته باشند.

همواره نقش تهدیدآمیز خود را در مقابل انگلیس حفظ می‌کردند، چنانچه در دوران اجرای سیاست «عدم تحرک هوشیارانه»، روس‌ها با تمام قوت به هند نزدیک می‌شدند و به همان اعلام نموده نسبت، هراس و نگرانی انگلستان راجع به امنیت هند نیز افزایش پیدا می‌کرد که باعث شد انگلیس در امر دفاع از هندوستان سیاستش را مورد بازنگری قرار دهد. در این سال‌ها دیدگاه غالب این بود که سرزمین‌ها و قرار داد و کشورهای واقع بین هند و روسیه به صورت مناطق حایل بی‌اراده‌ای درآیند، بر این اساس آن‌ها نه تنها تضعیف افغانستان، بلکه تضعیف ایران را نیز از طریق اختلاف و درگیری با روسیه و عثمانی دنبال می‌کردند. همچنین از بین بردن موقعیت مناسب حمله افغان‌ها و یا ایرانی‌ها به هند را تنها از طریق تضعیف و یا وابسته کردن این دو حکومت به خودشان ممکن می‌دانستند (۸).

نتیجه‌گیری

هدف کلی روسیه در ایران سده نوزدهم، یعنی توسعه هرچه بیشتر مستملاک و مناطق زیر نفوذشان بود. این رویکرد در معاهدات انجام‌شده، از جمله ترکمنچای و آخال نیز مشهود است. از طرفی رقابت‌های استعماری روس با بریتانیا در عهد قاجار به اوج خود رسیده بود و بخش مهمی از این رقابت در آسیای مرکزی و مرزهای هندوستان دنبال می‌شد. ایران عهد قاجار پس از عهدنامه گلستان به ویژه در نیمه دوم این دوره در روابط خود با روسیه و انگلستان نقش عامل اصلی را نداشت، بلکه این روابط بیشتر منعکس‌کننده روابط بین روسیه و انگلستان بر سر ایران در چارچوب سیاست‌های کلی آن دو کشور در صحنه جهان بوده است. هدف کلی روسیه در تمام این دوره نسبت به ایران ثابت بود، یعنی هرچه تسلط هر بیشتر خود را بر سرنوشت ایران می‌خواستند، اما در تعیین گام‌های که برای رسیدن به این هدف لازم می‌دیدند و در انتخاب رویه‌های که دنبال نمودند، دگرگونی‌های محسوسی وجود داشت. یک علت این دگرگونی‌ها تغییرات وضع و روابط کلی خود این دو کشور بوده و یکی از علل دیگر را باید در تغییر وضعیت و روابط مخصوص سازمان‌ها و اشخاص مؤثر در

سیاست آن دو کشور نسبت به ایران است. روس‌ها دشمن استقلال و آزادی و ترقی و تمامیت ارضی بودند.

در دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه نتایج شوم عهدنامه‌های گلستان و ترکمنچای و بعدها در عهدنامه آخال، عوارض جنگ‌های طولانی بروز کرد. دولت‌های اروپایی که با ایران رابطه سیاسی برقرار کرده بودند، موفق به کسب امتیازاتی شدند که روسیه و اقتصادی بیگانگان و مخصوصاً روسیه و انگلیس در ایران به حد کمال رسیدند و استقلال ایران و حیات اقتصادی ملت ایران بیش از هر زمان دیگری متزلزل شد، به طوری که امنیت داخلی ایران به شدت وابسته به قدرت‌های خارجی، یعنی روس و انگلیس شده بود و رقابت آنان در آسیای مرکزی، به طور آشکار و ضمنی، ساخت سیاسی را وابسته جلوه می‌داد. این امر بیش از هر چیز تحت تأثیر معاهدات ترکمنچای و آخال شکل گرفته بود که رابطه درباریان و دول بیگانه را به شدت به هم پیوند می‌زد. بدین ترتیب، ساخت سیاسی قدرت استبدادی، وابسته، زبون و عاری از تصمیم‌گیری مستقل بوده است. بنابراین تنها هنر شاهان قاجار مذاکره به روس‌ها و انگلیسی‌ها و تقسیم منافع داخلی بین آنان بوده است، ضمن این‌که تجزیه کشور و جداسدن بخش‌های مهمی از کشور نیز ناشی از تحولات استبداد داخلی و فشارهای استعماری بیرونی بوده است. روس‌ها و انگلیسی‌ها هم‌زمان با توسعه‌طلبی ارضی در سرزمین‌های شمال شرقی به کسب امتیازات اقتصادی عدم امنیت و ترس از مصادره و چپاول اموال بودند و انگلیسی‌ها نیز با بهره‌برداری از فرصت‌های پیشروی، مانع از نزدیک شدن روس به هندوستان می‌شدند و قراردادهای مختلفی نظیر پاریس را نیز به ایران تحمیل نمودند.

References

1. Hoseini R. Iran and Russia from Safavid to Qajar. *Journal History and Gheography* 2008; 1(4): 102-106.
2. Terenziv PK. Russain nad British Competitions in Iran and Afghanistan. Translated by Azin A. Tehran: Publisher Science and Cultural; 1984.
3. Saray AM. History of Turkmenistan. Tehran: Publisher Office of Political and International Studies; 1994.
4. Teymori I. The age of ignorance or the date of Concessions in Iran. Tehran: Eghbal Publisher; 1984.
5. Saray M. The Turkmens in the Age of Imprialism (Research on the Turkmen People and Their Country in the Russian Empire). Tehran: Publisher Qadir Verdi Rajaie; 1999.
6. Abadian H. Russian and British Imperialism and the issue of Iran and the Ottoman Empire. *Juornal of Book history and Geografhy* 2008; 13(131): 17-25.
7. Sykes SP. Genaeral Travel Guide to Sykes or ten Thousand miles in Iran. Translated by nouri S. Tehran: Publisher Lowheh; 1984.
8. Motavali Haghighi Y. Afghanistan and Iran; A Study on Political relations and border Challenges from King Ahmad Durrani to King Ahma Qajar. Mashhad: Publisher Islamic Research Foundation; 2004.
9. Kurzon JN. Iran and the Subject of Iran. Translated by Vahid Mazandarani V. Tehran: Publisher Science and Cultural; 1984.
10. Etemadolsaltaneh MH. Montazam Naseri. Corrected by Rezvani ME. Tehran: Publisher Donyai Ketab; 1988.
11. Rawlinson H. England and Russia in the east. London: Murray Publisher; 1875.
12. Sheikh Aleslami J. Causes of increasing Russian and British political influence in Iran during the Qajar era. *Journal Yaghma* 1977; 6(34): 328-337.
13. Shamim AA. Iran during the Qajar Period. Tehran: Publisher Behzad; 2008.
14. Nouri M. The general appearance of Irans foreign trade during the Afshari and Zandi Periods. *Jouranal of Moskoyeh* 2006; 1(3): 131-152.
15. Tajbakhsh A. A Few articles about the embassy of Mohammad Reza Beyg, the ambassador of King Soltan Hussein to the Court of Louis 14. *Journal of Historical Reviews* 1973; 9(2): 15-46.
16. Sykes SP. History of Iran. Translated by Daie Gilani MT. Tehran: Publisher Afson; 2001.
17. Zargar AA. History of Political relations Between Iran and Britian during the reign of King Reza. Translated by Bayat K. Teharan: Publisher Moien; 1993.
18. Ghaziha F. Documents on Iran-Russia relations during the Conquest of King Fath Ali and King Mohammad Qajar. Tehran: Publisher Ministry of Forign Affairs; 2001.
19. Saray AM, Faragi M-GH. War in Turkmanistan. Gorgan: Publisher Makhtumgholi Faragi; 2010.
20. Asadikia B. Book introduction and review: Iran and Russia in the big game. *Traveling and Oriental Studies* 2009; 4(2): 341-359.